

## درنگی بر آواشناسی فاصله‌ی آیات در سوره نبأ

محسن سیفی<sup>۱</sup>، منصوره طالبیان<sup>۲</sup> و مرضیه شاددل<sup>۳</sup>

چکیده :

قرآن، سبک و اسلوب بی‌همتایی از نظر نظم‌تعبیر، و روش ممتازی از لحاظ ترکیب‌الفاظ را در بر دارد که عرب‌ها پیش از نزول قرآن کریم با چنین سبک و نظم‌ی‌آشنایی نداشتند؛ و با اینکه آنان اهل فصاحت و بیان، و سوارکاران عرصه بلاغت و گفتار بودند این سبک و اسلوب برای آنها نامأنوس تجلی یافت. معجزه بودن قرآن از جهات مختلف، قابل بررسی است؛ یکی از آنها اعجاز ادبی و بیانی می‌باشد که ابعاد گوناگون جنبه‌های ظاهری و ساختاری الفاظ قرآن را در بر می‌گیرد که بدون شک موسیقی و نظم آهنگ قرآن در پرتو برخی آرایه‌های زبانی از جمله رعایت فواصل است.

این پژوهش فاصله آیات سوره نبأ را مورد تحلیل قرار داده و به واکاوی مقاطع صوتی آن به گونه آماری پرداخته و بدین دریافت رسیده است که با تغییر مضمون آیات، حروف روی فاصله دگرگون می‌شود و با تغییر سیر خطاب، مقطع صوتی، از مغلق به مفتوح گرایش می‌یابد.

کلید واژه ها: قرآن، سوره نبأ، آواشناسی، فاصله، مقطع صوتی

### مقدمه

یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن که باعث شگفتی و اعجاب می‌گردد چگونگی چینش واژگان و به نظم کشیدن آنها در سلک آیات است؛ به‌گونه‌ای که اسرار و حکمت‌های فراوانی را در خود نهفته دارد و به عنوان منبعی سرشار در استخراج نکته‌ها و ظرافت‌های تفسیری به شمار می‌آید. با دقت و موشکافی در نظم قرآن روشن می‌شود که چینش واژگان بسیار حکیمانه بوده و هیچ‌گاه الفاظ آن بدون حساب در پی هم قرار نگرفته‌اند، بلکه این کتاب مانند ناپذیر، در عین به کارگیری قالب‌های زبان عربی، ساختاری را بر آن حاکم می‌سازد که جابه‌جایی اجزای آن به شکوه و فخامت لفظ صدمه زده و دقت معنی را کاسته و ناممکن می‌نماید.

برجسته‌ترین و بحث‌برانگیزترین بخش در هر آیه، پایان آن است که «فاصله» نام دارد و شبیه «قافیه» در شعر و «سجع» در نثر می‌باشد. رُمّانی می‌گوید: «فواصل، حروف هم‌شکل در مقاطع کلام هستند که زمینه درک معانی را فراهم می‌آورند» (۱۹۶۸، ۹۷).

اگر چه بین فاصله و سجع در ظاهر تفاوتی مشاهده نمی‌شود، لیکن پژوهشگران قرآن از استعمال واژه سجع اجتناب ورزیده‌اند، زیرا به باور آنان فاصله موجب بلاغت کلام و سجع سبب عیب آن می‌شود. از آن روی که فاصله تابع معنا است، ولی در سجع معنا تابع آن قرار می‌گیرد (همان). هدف از کلام آن است که الفاظ توانایی بیان معانی مورد نیاز را داشته باشند، بنابراین بلاغت زمانی رخ می‌نماید که همشکلی حروف در مقاطع کلام چنین هدفی را دنبال نماید. همچنین از آنجا که سجع به معنای آواز کبوتر و فاخته است و کاهنان و غیب‌گویان در عصر جاهلی برای بیان مقاصد

\*\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۷/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۱۴

<sup>۱</sup> - نویسنده مسئول: استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان Motaseifi2002@yahoo.com

<sup>۲</sup> - کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی

<sup>۳</sup> - کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی

خود، گفتار خود را در قالب مسجع بیان می‌کردند، لذا پژوهشگران برای دوری جستن از تشبیه نادرست آن به قرآن، حروف سجع آفرین پایانه‌های آیات را فاصله نامیده‌اند. که به احتمال زیاد علت این نامگذاری تکیه به آیه  $X$  کِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ B (فصلت، ۳) است.

### پیشینه تحقیق

در ادب عربی علاوه بر «سید خضر» در کتاب «الفواصل القرآنیة» و «کمال الدین عبد الغنی المرسی» در کتاب «فواصل الآیات القرآنیة» و «محمد یوسف هاشم السید» در کتاب «دراسة تطبيقية لسورتي الأحزاب و سبأ» که فاصله قرآنی را به صورت مبسوط مورد بررسی قرار داده‌اند. در زمینه آواشناسی قرآنی پژوهش‌هایی از جمله «نماذج من الإعجاز الصوتی فی القرآن الکریم» به قلم «دفة بلقاسم» و «جمالیات الموسیقی فی النص القرآنی» به قلم «کمال احمد غنیم» نگاشته شده است. این پژوهش راهی نو در پیش گرفته و آوا شناسی فاصله را مورد بررسی قرار داده است. که در این زمینه پژوهشی یافت نشده است.

### مقاطع صوتی

یک مجموعه صوتی است که با صامت آغاز شده و به دنبال آن مصوت می‌آید و تا پایان کلمه ادامه می‌یابد که گاه به مصوت ختم می‌شود (کَتَبَ) و گاه به صامت (کَتَبَ). حروف در زبان عربی به دو نوع تقسیم می‌شود؛ حروف صامت مانند: باء، تاء، ثاء و ... که با حرف (ص) رمز گذاری و حروف مصوت که با حرف (ح) یعنی حرکت رمز گذاری می‌شوند.

مقطع‌های صوتی زمینه وقف و از سرگیری کلام را بدون ایجاد خلل در صداهایی که بعد از آنها می‌آید فراهم می‌آورند. برای نمونه واژه «قال» دارای دو مقطع صوتی است که مقطع اول از صامت «ق» و مصوت بلند «الف» تشکیل شده و بدین صورت رمز گذاری شده (ص ح ح) که بعد از توقف کوتاهی مقطع دوم تلفظ می‌شود و دارای صامت «ل» و مصوت کوتاه فتحه است که به صورت (ص ح) رمز گذاری می‌شود. قابل ذکر است که مقاطع صوتی از نظر ساختار بر دو نوع‌اند؛ یکی «مقطع مفتوح» که به صدای کوتاه یا بلند ختم شده و دیگری «مقطع مغلق» که به صامت ختم می‌شود. (انیس، ۱۹۶۱، ص ۱۱۳)

برخی از پژوهشگران مقاطع صوتی را بر پنج نوع تقسیم کرده‌اند: (نوری، ۱۹۹۷، ص ۱۱۴)

۱- مقطع کوتاه: صامت + مصوت: کَتَبَ = ا ک - ا ت - ا ب - ا (ص ح)

۲- مقطع بلند مغلق: صامت + مصوت کوتاه + صامت: عَلِمَهُم = ا ع - ل / ل - ا م - ا ه - م (ص ح ص)

۳- مقطع کشیده: صامت + مصوت بلند + صامت: ضَالٌّ = ا ض - ل / ل - ا ن (ص ح ح ص)

۴- مقطع مزید: صامت + مصوت کوتاه + صامت + صامت: نَهْرٌ = ا ن - ا ه - ر (ص ح ص ص)

۵- مقطع متمادی: صامت + مصوت کشیده + صامت + صامت: شَابٌ = ا ش - ا ب - ا (ص ح ح ص ص)

ابراهیم انیس بر این باور است که در زبان عربی سه مقطع صوتی اول نسبت به دیگر مقاطع کاربرد بیشتری دارند. (انیس، ۱۹۶۲، ص ۱۱۴)

تناسب فواصل بر پایه وقف استوار است؛ یعنی همگونی حاصل از آنها زمانی پدید می‌آید که در پایان فقره‌ها وقف شود و حرکات آشکار نگردد. قابل ذکر است که فاصله از نظر نظام صوتی بر پنج نوع است: (زرکشی، ۲۰۰۶، ج ۱، صص ۶۲-۶۶)

۱- فاصله متوازی: دو فاصله در روی، ردف و مقطع صوتی هماهنگ باشند. خداوند متعال می‌فرماید:  $X$  وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا B وَاَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً نَّجًّا جًا B دو فاصله در روی «ج»، ردف «الف» و مقاطع صوتی یکسان‌اند.

مقطع طویل مغلق / ه - / + مقطع طویل مفتوح / ه - / + طویل مفتوح / ح - /

مقطع طویل مغلق / ا ح / + مقطع طویل مفتوح / ا ج / + طویل مفتوح / ا ج /  
 ۲- فاصله متمائل: حروف روی فاصله یکسان است و تفاوتشان در مقطع صوتی می‌باشد. که این نوع فاصله را «مطرف» هم نام گذاری می‌کنند.  $X$  لَابِئِينَ فِيهَا أَحْقَابًا  $X$  بَلَا يَدُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا  $B$

مقطع طویل مغلق / ا ح / + مقطع طویل مفتوح / ا ج / + طویل مفتوح / ا ب /  
 مقطع کوتاه / ش / + مقطع طویل مفتوح / ا ر / + طویل مفتوح / ا ب /  
 ۳- فاصله متوازن: مقطع صوتی فاصله‌ها هماهنگ و تفاوت در حرف روی باشد که در این نوع یکسانی حرکات کلمه فاصله و ردیف دیده می‌شود اما وجود آن ضروری نیست. مانند:  $X$  يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا  $B$  وَفُجِحَتْ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا  $B$

مقطع طویل مغلق / ا ب / + مقطع طویل مفتوح / و / + طویل مفتوح / ا ج /  
 مقطع طویل مغلق / ا ب / + مقطع طویل مفتوح / و / + طویل مفتوح / ا ب /  
 ۴- فاصله متقارب: حروف روی فاصله‌ها قریب‌المخرج باشند. مانند سخن خداوند متعال:  $X$  إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا (لِلطَّاعِينَ مَأْبًا) حرف «دال» و «باء» قریب‌المخرج می‌باشند.

۵- فاصله منفرد: فاصله یک آیه یا چند آیه در سوره با آیات دیگر در حرف روی تفاوت داشته باشد. به بیان روشن‌تر این فاصله یک بار در سوره تکرار شده باشد، در سوره نبأ فاصله منفرد در چند آیه آمده از جمله:  $X$  عَنِ النَّبِإِ الْعَظِيمِ  $B$  (نبأ، ۲)  $X$  وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا  $B$  (نبأ، ۱۰)  $X$  وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا  $B$  (نبأ، ۱۱)  $X$  وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا  $B$  (نبأ، ۱۶)  $X$  إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا  $B$  (نبأ، ۳۱)

یکی از عناصر آهنگین شدن آیات قرآن، مقطع‌های صوتی یکسان در فاصله‌ها است که با توجه به مفهوم در انواع مختلف به کار رفته‌اند، برای نمونه وقتی سیاق آیه بر عذاب کافران دلالت دارد فاصله به مقطع صوتی طویل ختم می‌شود تا با طولانی بودن عذاب مناسبت و هماهنگی داشته باشد.

شایان ذکر است که موسیقی حرکات کوتاه و بلند، به مانند یک تصویر زیبایی است که معنا را به ذهن نزدیک می‌نماید و در روح و جان مخاطب تأثیر می‌گذارد. «حرکات که در صیغه و مبانی کلام وارد می‌شود زمینه هماهنگی واژه‌ها و انسجام آنها را در سیاق کلام فراهم آورده و این هدف در دلالت‌های معنایی نمود می‌یابد. از آن روی که کلام و ترکیبات الفاظ در یک موسیقی هماهنگ و متناسب به نمایش گذاشته می‌شود» (بشر کمال، ۲۰۰۰، ص ۸۲). که متناسب با مقصود خطاب و حالت‌های روحی مخاطبان است. با تدبیر در نظم الفاظ قرآن مشاهده می‌کنیم که حرکات صرفی و لغوی واژه‌ها در وضع و ترکیب، جانشین حروف می‌شوند که با نظم موسیقایی کلام هماهنگ‌اند و این امر بیانگر فصاحت می‌باشد تا بدان جا که ممکن است حرکتی به خاطر سنگینی در کلام ارزشی نداشته باشد ولی در قرآن به گونه استعمال می‌شود که حروف و حرکات قبلی نطق و تلفظش را آسان می‌سازند. (رمضان، ۱۹۸۲، ص ۲۹)

روشن و واضح است که اصوات فاصله‌ها، نقش بسیار مهمی در زیباسازی موسیقی آیات بر دوش دارند زرکشی بر این باور است که «در قرآن بسیاری از مقاطع صوتی فاصله‌ها به مد، لین و نون ختم شده که حکمت آن استواری موسیقی قرآن است» (زرکشی، ۲۰۰۶، ص ۶۰).

حرکات کوتاه (ضمه، فتحه، کسره) اصواتی‌اند که با حروف تلفظ می‌شوند و «با وجود کوچکی شکلشان معانی را افاده می‌کنند و در ذهن اصوات مشخصی را به جای می‌گذارند» (بشر، ۲۰۰۰، ص ۴۹). صدای فتحه در قرآن استعمال زیادی دارد و این امر از آن روی است که تلفظ آن نسبت به کسره و ضمه آسان‌تر است و توالی آن در یک کلمه زیبایی و آهنگ خاصی را به الفاظ می‌بخشد. با بررسی صداهای کوتاه در سوره نبأ، این مطلب برای ما آشکار شد که

۳۱۰ مرتبه صدای فتحه، ۷۵ مرتبه صدای کسره و ۵۹ مرتبه صدای ضمه تکرار شده است، بسامد زیاد صدای فتحه زمینه سهولت قرائت این سوره را فراهم آورده و بر زیبایی موسیقایی آن افزوده است.

اصوات بلند (الف، واو، یاء) که حروف مد نامیده می‌شوند با اصوات کوتاه در جنبه کمی - مدت زمان تلفظ - اختلاف دارند؛ بدین معنا که «الف» فتحه بلند، «یاء» کسره بلند و «واو» ضمه بلند خوانده می‌شود آنگاه که مد بین دو حرف قریب المخرج قرار گیرد -ابواب- آهنگ لفظ را نیکو می‌سازد و همان‌گونه که کاربرد زیاد آن در مقاطع صوتی جمله، موسیقی لطیف و آرامی را به کلام می‌بخشد استعمال کم آن موسیقی کلام را به سرعت و شدت نزدیک می‌کند (نوری، ۱۹۹۷، ص ۱۳۱). «الف» به دلیل لطافت و نرمی در هنگام تلفظ از کاربرد بسیاری برخوردار است که «فتحه» هم صفات و ویژگی‌های آن را به خود اختصاص داده است. قابل ذکر است که هوا در هنگام تلفظ صداهای کشیده در مجرای صوتی ادامه می‌یابد به گونه‌ای که چیزی مانع امتداد و استمرار آن نمی‌شود (بشر، ۲۰۰۰، ص ۸۰). بدون شک این ویژگی صدای کشیده با دلالت‌های خطابی قرآن هماهنگ است. برای نمونه در عبارت «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ»، «الف» مدی در کلمه «لا» در هنگام تلفظ کشیده می‌شود که آن را مد تعظیم می‌نامند. این کشیدگی صدای «الف» با نفی الوهیت از غیر خداوند مناسبت دارد. در یک بررسی آماری در صداهای بلند سوره نبأ به این دریافت رسیدیم که صوت «الف» ۱۲۲ مرتبه در این سوره تکرار شده است، ویژگی صدای «الف» در هنگام تلفظ از یک سو و بسامد بالای آن در این سوره از سوی دیگر بر اثبات روز قیامت و عذاب کافران و پاداش نیکوکاران دلالت دارد. لازم به ذکر است که صدای «واو» ۱۴ مرتبه و «یاء» ۱۲ مرتبه در خلال این سوره تکرار شده است.

یکسانی مقاطع فاصله‌ها، در اعتدال سیاق کلام و تأثیرگذاری آن بر مخاطب، بسیار مؤثر است ایجاد مناسبت میان مقاطع فواصل، گاهی مستلزم خروج از نظم متعارف و قواعد اولیه ادبی است. از جمله:

۱- اضافه کردن «الف» به منظور تساوی مقاطع صوتی و تناسب حرف آخر فاصله. X وَخَلَقْنَاكُمْ أَرْوَاجًا B (نبأ، ۸)

۲- حذف همزه یا یک حرف از انتهای کلمه، X وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرُ B (فجر، ۴) «یسری» فعل مضارع مرفوع است که

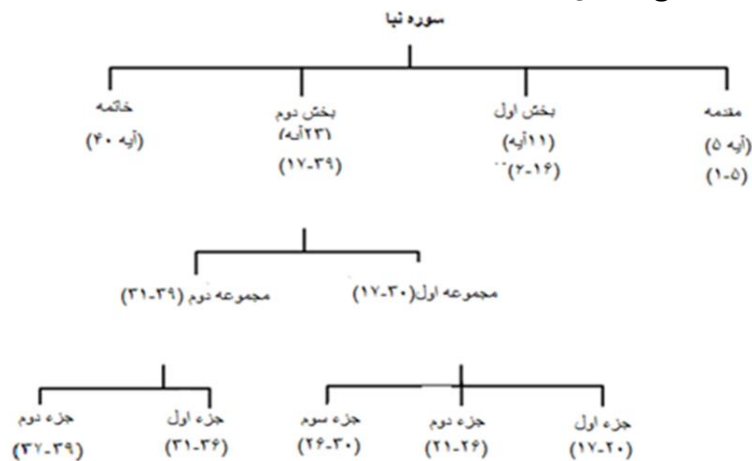
«یاء» آن برای تخفیف و هماهنگی فاصله‌های آیات قبل و بعد (فجر، عشر، وتر، حجر) حذف شده است.

۳- مؤخر کردن چیزی که جایگاه طبیعی آن، تقدیم است، مانند: الف) تقدیم مفعول بر فاعل: X وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النُّذْرُ B (قمر، ۴۱) از آنجایی که فاصله‌های آیات سوره قمر به حروف روی «راء» ختم شده در این آیه برای رعایت فاصله «آل فرعون» بر «نذر» تقدم یافته است. شاید علت این تقدیم، تقدم زمانی باشد؛ بدین معنا که نخست فرعونیان پا بر عرصه هستی گذاشتند و سپس نصیحت‌های حضرت موسی هشدار برای ارشاد آنان بود. ب) تقدیم ضمیر بر مفسر آن: X فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى B (طه، ۶۷)

### سوره نبأ:

اولین نکته قابل بررسی در سوره نبأ، مضمون و محتوای این سوره می‌باشد که درون مایه آن در وصف بهشت و نعمت‌های آن، تداعی گر سوره «دهر» و در وصف رنج و عذاب کافران بیانگر محتوای سوره «مرسلات» است. محتوای این سوره را می‌توان در یک مقدمه، دو بخش و یک خاتمه بیان نمود. آیات مقدمه اختلاف نظر مشرکان را در مورد روز قیامت بیان می‌کند. سپس در بخش اول با بیان نمونه‌هایی از مظاهر قدرت خداوند در آسمان و زمین و زندگی انسان‌ها، دلیلی بر امکان معاد و رستاخیز ذکر می‌نماید. بخش دوم این سوره در دو زیر مجموعه قرار می‌گیرد که در مجموعه اول از قیامت و حوادث رستاخیز (آیات ۲۰-۱۷)، سرنوشت دوزخیان و قسمتی از کیفرهای دردناکشان (آیات ۲۶-۲۱) و علت بدبختی و گرفتاری آنها (آیات ۳۰-۲۶) سخن به میان می‌آورد. در مجموعه دوم از این بخش به شرح نقطه مقابل آنان پرداخته از مومنان راستین و پرهیزکاران و قسمتی از مواهبشان (آیات ۳۹-۳۱)

سخن می‌گوید و در پایان سختی روز قیامت و آرزوی محال کافران (آیه ۴۰) را بیان می‌نماید. (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۱۵۸)



#### مقدمه سوره:

X عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ \* عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ \* الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ \* كَلَّا سَيَعْلَمُونَ \* ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ B (نبا، ۵-۱)

#### تفسیر اجمالی

مقدمه سوره با آغازی ابهام‌گونه توجه مخاطب را برمی‌انگیزد. خداوند متعال در نخستین آیه سوره در یک استفهام آمیخته با تعجب می‌فرماید: آنها از چه چیزی از یکدیگر می‌پرسند سپس بی آنکه در انتظار پاسخشان باشد می‌فرماید آنان از خبر بزرگ و پر اهمیت سؤال می‌کنند همان خبری که پیوسته در آن اختلاف دارند. «لفظ «عم» که اصل آن (عن+ما) است، حرف جر داخل بر «ما» استفهامیه شده و «نون» ساکن در «میم» متحرک ادغام و «الف» حذف شده است» (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۱۵۹). قابل ذکر است که استفهام در این آیه دلالت بر تفخیم و تعظیم دارد.

در واژه «سيعلمون» سین حرف استقبال است که بر آینده نزدیک اشاره می‌کند؛ بدین معنا که قیامت امری است نزدیک که تمام عمر دنیا در برابر آن ساعتی بیش نیست (مکارم، ۱۴۱۶، ج ۲۶، ص ۹). آیه «ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ» تأکید ردع و تهدید است و لحن تهدید، قرینه‌ای است که پرسشگران مشرکان‌اند که منکر معاد و جزاء بوده‌اند (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۱۶۰). لفظ «ثم» بیانگر این امر است که وعید در این آیه شدیدتر و بیشتر از آیه قبل می‌باشد (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۶۸۴).

#### تحلیل فاصله:

این آیات به انکار معاد توسط مشرکان اشاره دارد که برخی آن را محال دانستند و بدین خاطر آن را انکار نمودند، و عده‌ای آن را بعید شمرده و بدان شک کردند؛ چرا که برانگیخته شدن در قیامت را امری بزرگ می‌پنداشتند. وجود فاصله در این آیات برای اثبات وقوع روز قیامت می‌باشد و قابل ذکر است که فاصله آیات به «نون» دلالت بر دوراندیشی و قطعیت و ایمان یقینی بر حقانیت روز رستاخیز است (ابوسعود، ج ۹، ص ۸۶).

حرف روی فاصله در این آیات «میم، نون» است که از حروف امتداد می‌باشد؛ بدین معنا که در هنگام تلفظ، صدا استمرار دارد. نکته جالب این است که انتخاب روی فاصله با مضمون آیه که نشانگر اختلاف نظر مشرکان و پرسشگری متعدد و مستمر آنان است، هماهنگی دارد. در آیه دوم مشرکان از خبر بزرگی و حتمی می‌پرسند که این حتمیت و قطعیت را می‌توان از صدای «میم» فهمید، زیرا «در هنگام تلفظ دو لب بر روی هم بسته می‌شود و دلالت بر حتمیت دارد» (بشر، ۲۰۰۰، ص ۱۲۰)

«نون» از صداهایی است که در هنگام تلفظ با غنه همراه است و از این رو سکوت و وقف بر آن نیکو است (خضر، ۱۴۲۰، ص ۵۱). سیوطی بر این باور است که اکثر فواصل قرآنی به نون مسبوق به مد ختم شده که حکمت وجود آن آهنگین شدن آیات می‌باشد (۱۹۷۸، ج ۲، ۱۳۴) که این نکته در اینجا قابل تطبیق است.

اگر از منظر بلاغی به آیه «کَلَّا سِیَعْلَمُونَ» بنگریم، بدین دریافت می‌رسیم که یکی از دلایل حذف دو مفعول «سیعلمون» افاده عمومیت است. (تفتازانی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۶) بدین منظور که انسان می‌تواند در طول زمان امور مختلفی را بیاموزد. اما دلیل اصلی این حذف رعایت موسیقی کلام و تناسب با فاصله آیات قبل می‌باشد، چرا که پژوهشگران قرآنی بر این باورند که بیشترین موارد حذف مفعول در مواقعی است که کلمه فاصله، فعل مضارع مرفوع با «واو» جماعت باشد که حذف بدلیل سیاق کلام یا نکته بلاغی صورت می‌گیرد ولی اگر فعل مضارع در جایگاه فاصله نباشد حذف به ندرت دیده می‌شود. در یک بررسی آماری بدین نتیجه دست یافته‌اند که دو فعل «یعلمون-تعلمون» ۱۲۰ مرتبه به عنوان کلمه فاصله در قرآن ذکر شده که در همه موارد مفعول حذف شده است که این امر به دلیل «مد» قبل از حرف فاصله و آهنگ و نغمه «نون» می‌باشد. (خضر، ۱۴۲۰، صص ۱۳۰-۱۲۹)

موسیقی حروف که امروزه در ادبیات آن را «واج آرابی» می‌نامند بخش عظیمی از بار موسیقی آیات را به دوش می‌کشد و خداوند در نهایت هنرمندی تناسب و هم نوایی موسیقی و موضوع را برقرار نموده است. در اینجا زمینه معنایی، انذار، هشدار و ایجاد بیم و هراس می‌باشد که موسیقی‌ای کوبنده و تهاجمی آفریده. صوت میم (۱ بار)، عین (۲ بار) و نون (۴ بار) ذکر شده است و همه این حروف مجهوره<sup>۴</sup> اند که بیانگر تناسب آوایی با شدت صدای انکار کنندگان می‌باشد. شایان ذکر است که از هشت مقطع صوتی مغلق هفت مورد آن به این حروف ختم می‌شود. جدول زیر به این نکته اشاره دارد.

| آیات | ص ح   |      | ص ح ح |     | ص ح ح ح |     | جمع   |
|------|-------|------|-------|-----|---------|-----|-------|
|      | تعداد | صوت  | تعداد | صوت | تعداد   | صوت |       |
| ۱    | ۳     | آ    | ۱     | ۰   | ۰       | ۰   | ۵     |
| ۲    | ۱     | ۰    | ۰     | ۰   | ۰       | ۰   | ۲     |
| ۳    | ۲     | ۰    | ۱     | خ   | ۰       | ۰   | ۴     |
| ۴    | ۲     | ۰    | ۱     | ع   | ۰       | ۰   | ۴     |
| ۵    | ۲     | ۰    | ۱     | ع   | ۰       | ۰   | ۴     |
| جمع  | ۱۰    | ۱    | ۳     |     |         |     | ۱۹    |
| درصد | %۵۲,۶ | %۵,۲ | %۱۵,۷ |     |         |     | %۲۶,۳ |

جدول شماره (۱)

مقاطع مفتوح : (ص ح + ص ح ح) = ۱۱ = %۵۷,۸ یعنی مقطع هایی که به مصوت ختم می‌شود.

مقاطع طویل : (ص ح ح ح + ص ح ح ح ح) = ۶ = %۳۱,۵ یعنی مقطع هایی که به مد ختم می‌شود.

مقاطع مغلق: (ص ح ح ح ح + ص ح ح ح ح ح) = ۸ = %۴۲ یعنی مقطع هایی که به صامت ختم می‌شود.

۱- اصواتی که در هنگام تلفظ تارهای صوتی مرتعش می‌شوند. مانند (آ، ع، غ، ق، ج، ی، ض، ل، ن، ز، ط، ظ، د، ذ، ب، م، و)

فاصله در آیه اول به فعل «یتساءلون» از صیغه باب تفاعل که تکرار وقوع فعل را افاده می‌کند ختم شده و اگر فعل «یسألون» به جای آن قرار می‌گرفت از سه مقطع صوتی (دو مقطع مغلق و یک مقطع مفتوح) تشکیل شده بود در حالی که مقاطع صوتی «یتسالون» پنج تا است (چهار مفتوح، یک مغلق) که این امر بر حرکت و تجدد دلالت می‌کند. علاوه بر این، مد الف که متصل و واجب و مقدار آن ۴ تا ۵ حرکت می‌باشد و صدا «الف» که مفید اطلاق است کثرت پرسش سؤال کنندگان را بیان می‌کند (فخررازی، ج ۳، ۳۱).

### بخش اول

X أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مَهَادًا\* وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا\* وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا\* وَجَعَلْنَا بَيْنَكُمْ سُبَاتًا\* وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا\* وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا\* وَبَيَّنَّا فَوْقَكُمْ سَبْعَ سِدَادًا\* وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا\* وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً تَجَاجًا\* لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا\* وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا\* B

### تفسیر اجمالی:

این آیات در مقام احتجاج و استدلال بر ثبوت رستاخیز و جزاء و تحقق این خبر عظیم است و لازمه ثبوت آن صحت آیه قبلی، که می‌فرماید: «ثمَّ كَلَّمَا سَيَعْلَمُونَ» که در حقیقت پاسخی است به سؤالاتی که منکران معاد، و اختلاف کنندگان در این نبأ عظیم داشته‌اند.

زیرا در این آیات گوشه‌ای از نظام حکیمانه این عالم هستی و مواهب حساب شده‌ای که نقش بسیار مؤثری در زندگی انسانها دارد بیان شده است، که از یک سو دلیل روشنی بر قدرت خدا بر همه چیز و از جمله تجدید حیات مردگان است، و از سوی دیگر بر این امر دلالت دارد که نظام حکیمانه نمی‌تواند بیهوده و عبث باشد، در حالی که اگر با پایان زندگی مادی این دنیا همه چیز پایان یابد، مسلماً طرحی عبث و بیهوده خواهد بود. (مکارم، ۱۴۱۶، ج ۲۶، ص ۱۵)

«در این آیات یازده گانه به دوازده نعمت مهم، با تعبیراتی آمیخته با لطف و محبت، و توأم با استدلال و تحریک عواطف اشاره شده است. چرا که اگر در کنار استدلالهای عقلی، احساس و نشاط روحی نباشد کارایی آن کم است» (همان، ص ۱۶). قابل ذکر است، التفاتی که در آیه X ثمَّ كَلَّمَا سَيَعْلَمُونَ B از غیبت به خطاب در آیه X وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا B به کار رفته به منظور مبالغه در الزام و ساکت نمودن دشمنان است.

### تحلیل فاصله

آیات این بخش مانند مقدمه با استفهام آغاز شده با این تفاوت که آهنگ استفهام در این آیات به گونه‌ای است که خواب غفلت را از چشمان منکران ربوده و آنان را متوجه نعمت‌ها و الطاف الهی می‌سازد (قطب، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۳۸۰)

مجموعه آیاتی که در بیان یک موضوع به دنبال یکدیگر می‌آیند تصاویر زیبایی را ارائه می‌دهند که الفاظ تشکیل دهنده آن از انسجام و هماهنگی برخوردارند، با تدبیر و دقت نظر در تصاویر درمی‌یابیم که فواصل آیات عنصر اساسی این تصویرها می‌باشند؛ بدین منظور که در هر تصویر حروف فاصله یکی است یا از موسیقی یکسانی برخوردارند و با تغییر موضوع و تصویر، حرف فاصله نیز دگرگون می‌شود. سیاق آیات مقدمه در بردارنده اختلاف نظر مشرکان است، اما در ادامه سیاق آیات دلالت بر جدل دارد که این تحول سیر خطاب، زمینه ساز تغییر نظام فاصله شده است (قطب، ۱۹۸۰، ص ۹۳). و روی فاصله از صدای «نون» به صدای «دال» که در تلفظ آن سختی و شدت است و متناسب با فضای آیه که به اثبات نعم الهی می‌پردازد، تغییر کرده همچنین بقیه آیات به صداهای (باء، قاف، جیم،

دال) که از حروف مجهوره اند ختم می‌شود که اثبات نعمت‌ها و عقاب کافران و پاداش نیکوکاران اقتضای این حروف را دارد.

اگر چه در این مجموعه آیات روی کلمات فاصله منسجم نیستند، اما هر حرف با مضمون آیه هماهنگ است و خداوند به گونه شگفت‌آوری برای بیان مواهب و نعمت‌هایی که القاکننده معنی سختی و استواری هستند حروف مجهوره نظیر «دال» در الفاظ (مهاده، اوتاده، شداد) و «جیم» در (وهاج، ثجاج) را به کار برده و برای بیان الطافی که دلالت بر آرامش و سکون دارند حروف مهموسه<sup>۵</sup> مانند «فاء» در لفظ (الفاف)، «سین» در (لباس) و «شین» در (معاش) را استفاده نموده که این نکته بیانگر هماهنگی لفظ با معنا در فواصل این آیات می‌باشد.

لازم به ذکر است که تقدیم واژه «حب» بر «نبات» تنها برای رعایت فاصله نیست، بلکه به خاطر ارزش و برتری آن است که منبع غذایی انسان محسوب می‌شود (فخر رازی، ج ۳۱، ص ۹).

موسیقی و آهنگ جلوه و پدیده حسی است که وجود آن را از طریق حس شنوایی یا بینایی درک می‌کنیم که به صورت منظم تکرار شده و به منظور زیبایی شناسی، در نظم آن دگرگونی ایجاد می‌شود (بشر، ۲۰۰۰، ص ۱۵۰). بنابراین دو عنصر اصلی که بار موسیقی کلام را به دوش می‌کشند نظم و تکرارند. لازم است در نظم بین عناصر کلام تساوی و توازن وجود داشته باشد؛ تساوی بدین معنا است که حرف و کلمات تشکیل دهنده دو آیه یکسان باشد، خداوند متعال می‌فرماید:  $X$  وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا  $B$  وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا  $B$  آنگاه که اجزاء تشکیل دهنده کلام (فعل، اسم، حرف) در مقابل یکدیگر قرار گیرند توازن زمینه آهنگین شدن کلام را فراهم می‌آورد که این عنصر را می‌توانیم در آیات  $X$  وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا  $B$   $X$  وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا  $B$   $X$  وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا  $B$   $X$  وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا مشاهده کنیم. تکرار که عنصر مهم موسیقایی کلام می‌باشد بر دو رکن استوار است؛ یکی تکرار صدای روی و دیگری تکرار وصل (صدایی که بعد از روی می‌آید). مثلاً تکرار «الف» در پایان فاصله‌های این سوره.

تصویرمقابله ای که در دو آیه  $X$  وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا  $B$   $X$  وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا وجود دارد در سطح موسیقایی فاصله، تأثیر بسزایی گذاشته؛ چرا که حقیقت شب و چگونگی چیرگی که بیانگر سکون و آرامش می‌باشد در مقابل حقیقت روشنایی روز که نماینده حرکت و پویایی است قرار گرفته، که این بیان را می‌توان در ویژگی صدای «سین» که از حروف لثوی و مهموس است و «شین» که در هنگام تلفظ سر زبان در پشت لثه و فک به سمت بالا متمایل می‌شود و در فضای دهان اضطراب و تکاپو ایجاد می‌کند، مشاهده نمود. (همان، ص ۳۴۰)

با امعان نظر در آیات مقدمه و دیگر آیات، بدین دستاورد می‌رسیم که مقاطع صوتی در پنج آیه اول مغلّق، بدین معنا که به صامت ختم شده در حالی که آیات بعدی مفتوح می‌باشد و به مصوت ختم شده است. و در این بخش حروف مجهوره نسبت به مهموسه کاربرد بیشتری داشته اند.

| آیات | ص ح ح |     |       | ص ح ح |   | جمع |
|------|-------|-----|-------|-------|---|-----|
|      | تعداد | صوت | تعداد | صوت   |   |     |
| ۶    | ۱     | آ آ | ۰     | ۰     | ۳ |     |
| ۷    | ۰     | آ آ | ۱     | و     | ۳ |     |
| ۸    | ۰     | آ آ | ۱     | ز     | ۳ |     |
| ۹    | ۱     | آ آ | ۰     | ۰     | ۳ |     |

<sup>۵</sup> - حروفی که در هنگام تلفظ تارهای صوتی مرتعش نمی‌شود مانند (ت، ث، ح، خ، س، ش، ص، ف، ک، ها)



|    |   |        |     |        |        |      |
|----|---|--------|-----|--------|--------|------|
| ۳  | ۰ | ۰      | آ آ | ۲      | ۱      | ۱۰   |
| ۳  | ۰ | ۰      | آ آ | ۲      | ۱      | ۱۱   |
| ۳  | ۰ | ۰      | آ آ | ۲      | ۱      | ۱۲   |
| ۳  | ۵ | ۱      | آ آ | ۲      | ۰      | ۱۳   |
| ۳  | ج | ۱      | آ آ | ۲      | ۰      | ۱۴   |
| ۳  | ۰ | ۰      | آ آ | ۲      | ۱      | ۱۵   |
| ۳  | ل | ۱      | آ آ | ۲      | ۰      | ۱۶   |
| ۳۳ |   | ۵      |     | ۲۲     | ۶      | جمع  |
|    |   | %۱۵,۱۵ |     | %۶۶,۶۶ | %۱۸,۱۸ | درصد |

جدول شماره (۲)

مقاطع مفتوح: (صح + صح) = ۲۸ = ۸۴,۸٪ یعنی مقطع هایی که به مصوت ختم میشود.

مقاطع طویل: (صح) = ۲۲ = ۶۶,۶۶٪ یعنی مقطع هایی که به مد ختم میشود.

مقاطع مغلق: (صحص) = ۵ = ۱۵,۱۵٪ یعنی مقطع هایی که به صامت ختم میشود.

روشن است که کلمه «مهادا» با یک مقطع صوتی کوتاه مفتوح، آغاز و به دو مقطع بلند مفتوح، ختم شده است و از جایی که «الف» از حروف مد است و بر امتداد و گستردگی دلالت دارد هماهنگی بین مفهوم آیه با مقاطع صوتی دیده می شود که واژه «مهادا» به خاطر مقطع صوتی مغلق نمی توانست این مفهوم را القا کند. خداوند می فرماید: آیا زمین را برای شما نگسترانیدیم تا مایه آرامش شما باشد. که با بیان آیه  $X$  وَالْجِبَالُ أَوْتَادًا B هر گونه اضطراب و نگرانی را می زداید، زیرا کوه ها علاوه بر اینکه ریشه های عظیمی در اعماق زمین دارند، همچون زرهی پوسته زمین را در برابر فشار ناشی از مواد مذاب درونی حفظ می کنند، دیوارهای بلندی در برابر طوفان های سخت و سنگین محسوب می شوند، و پناهگاه مطمئنی برای آسایش انسان می سازند که اگر نبودند دائما زندگی انسان زیر ضربات کوبنده طوفانها دستخوش ناآرامی می شد. (مکارم، ۱۴۱۶، ج ۲۶، ص ۶) قابل ذکر است که واژه «اوتادا» دو صدای شدید با خود دارد (تاء، دال) و از مقطع صوتی مغلق که به صدای لین (واو) ختم شده و دو مقطع صوتی مفتوح تشکیل شده تا این امتداد صوتی با شدت تصویر کوهها که استواری آن ها قصد شده هماهنگ باشد.

### بخش دوم (مجموعه اول)

$X$  إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِيقَاتًا \* يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَنَأْتُونَ أَفْوَاجًا \* وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا \* وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا \* إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا \* لِلطَّاغِينَ مَأْبَا \* لِابْتِئِنَ فِيهَا أَحْقَابًا \* لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا \* إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا \* جَزَاءً وَفَاقًا \* إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا \* وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا \* وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا \* فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا (۳۰) B

### تفسیر اجمالی

در آیات قبل اشاراتی به دلایل مختلف معاد آمده بود، در نخستین آیه مورد بحث به عنوان یک نتیجه گیری، خداوند متعال می فرماید: روز رستاخیز، وعده همگان است  $X$  إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِيقَاتًا تعبیر به «يَوْمَ الْفُصْلِ» تعبیر بسیار پر معنایی است که بیانگر جدایی ها، در آن روز عظیم می باشد، جدایی حق از باطل، جدایی مظلومان از ظالمان، جدایی پدر و مادر از فرزند.

در آیات گذشته، کوه‌ها به عنوان میخ‌ها، و زمین به عنوان گهواره معرفی شده، لیکن در آیات مورد بحث می‌گوید آن روز که فرمان فزای جهان صادر می‌شود آن گهواره به هم خورده، و این میخ‌های عظیم از جا کنده خواهد شد. (مکارم، ۱۴۱۶ق، ج ۲۶، ۳۶)

تعبیر به «إِنَّ» که برای تأکید است و «کانوا» که استمرار در ماضی را بیان می‌کند و «حساباً» که به صورت نکره بعد از نفی ذکر شده و معنی عمومیت را می‌رساند، بیانگر این واقعیت‌اند که آنان مطلقاً و هرگز هیچ گونه انتظار و ترسی از حساب و کتاب ندارند، یا به تعبیر دیگر حساب روز قیامت را به دست فراموشی سپرده‌اند (همان، ۴۲).  
 آیه  $X$  فَلَنْ نُزِيدَ كُمْ إِلَّا عَذَابًا B، «لَنْ نُزِيدَكُمْ» التفات از غیبت به خطاب می‌باشد و آمدن فعل به این صورت شاهدی است بر این که خشم (خدا) به آخرین حد رسیده (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۴۳۱).

### تحلیل فاصله

با نگاه در فاصله آیه  $X$  إِنَّ يَوْمَ الْفُضْلِ كَان مِيقَاتًا B به این دستاورد می‌رسیم که وجود دو لفظ «إِنَّ - كَان» تنها برای رعایت فاصله ذکر نشده، بلکه خداوند برای زدودن شک و تردید کافران، از اسلوب تأکید استفاده کرده و «کان» را که فعل ماضی است انتخاب نموده تا بیانگر قطعیت و حتمیت روز قیامت باشد. شایان ذکر است که در آیه  $X$  إِنَّ جَهَنَّمَ کَانَتْ مِرْصَادًا B تنها سه حرف مهموسه نظیر (ک،ه،ص) دیده می‌شود و بقیه حروف جزء حروف مجهوره‌اند که به عذاب شدید و آشکاری که در کمین کافران است اشاره دارد. و در ادامه آیه  $X$  لِلطَّٰغِيْنَ مَآبَا B ذکر شده که هیچ حرف مهموسی در آن نیست. قابل ذکر است که واژه «طاغین» جمع مذکر سالم و برای عاقل به کار می‌رود؛ یعنی آنها اعمال خود را عاقلانه انجام داده‌اند و بار اعمالشان را به دوش می‌کشند که وجود دو مقطع صوتی بلند مفتوح در این لفظ امتداد و استمرار سرکشی آنان را می‌رساند، لیکن اگر به صورت جمع مکسر می‌آمد «طغاء» این معنا القا نمی‌شد.

|       |         |       |         |         |       |
|-------|---------|-------|---------|---------|-------|
| ط     | غا      | ه     | طا      | غی      | ن     |
| (ص ح) | (ص ح ح) | (ص ح) | (ص ح ح) | (ص ح ح) | (ص ح) |

جدول شماره (۳)

در آیات (۲۶-۲۱) ادغام نون در مطلع آیات، کثرت کاربرد تنوین در الفاظ، وجود مد در هر مقطع و وفور حرکات فتحه بر روی حروف، دلالت بر نامتناهی بودن زمان، عذاب همیشگی کافران و ناله‌های پی در پی آنان دارد (بکری، ۱۹۷۲، ۲۵۸).

روی فاصله در آیه  $X$  وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا B «باء» است که این صدا از حروف مجهوره، بر صلابت و درشتی دلالت دارد. «ابن جنی» در این رابطه می‌گوید: «صدای «باء» به خاطر شدت و صلابت شبیه زدن دست بر روی زمین است» (ابن جنی، ۱۹۹۰، ج ۲، ۱۶۵) که وجود آن در این آیه شدت تکذیب مشرکان را می‌رساند. و استعمال واژه «کذابا» به جای «تکذیباً» زمینه رعایت نظام مقطع صوتی فاصله که با صدای «الف» است را فراهم آورده.

نکته جالب در فواصل (مرصاداً - أحقاباً - شراباً - غساقاً - وفاقاً) این است که در هنگام وقف، «الف» جایگزین تنوین نصب می‌شود که در این صورت دو الف در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند که حکم یکی از آنان تفخیم و دیگری ترقیق است، در سه کلمه نخست، الف اول، بعد از صدای مفخم و الف دوم بعد از صدای مرقق قرا گرفته. در دو کلمه دیگر برعکس این امر دیده می‌شود که زمینه تغییر روی فاصله‌ها را به وجود آورده و با تنوع موسیقایی آهنگ زیبا و دلنشینی را به آیات بخشیده، و در مخاطب تأثیر به سزایی داشته، چرا که «کلام آنگاه که بر یک آهنگ و ایقاع باشد زمینه تکلف و خستگی مخاطب را فراهم می‌آورد» (قطب، ۱۹۸۰، ص ۱۲۲)

فواصل آیات نقش تعیین کننده‌ای در بلاغت قرآن دارد و نشانگر توانایی و عظمت خداوند است همانگونه که قافیه در شعر توانایی شاعر را نشان می‌دهد، با این تفاوت که بعضی از شاعران برای اتمام ابیات خود قافیه‌های را به کار می‌برند که با مضمون و محتوای بیت همخوانی ندارد. در حالی که «انتخاب فواصل قرآنی به گونه‌ای است که برای اكمال آیات قرآن نمی‌باشد، بلکه در آن رازی نهفته است که امکان جایگزینی آن با کلمه دیگر وجود ندارد، زیرا در غیر این صورت معنای مورد نظر افاده نمی‌شود و نظام صوتی و زیبایی لغوی آن به هم می‌خورد.» (جرجانی، ۱۹۹۲، ص ۱۰۶)

انتخاب کلمات فاصله در این آیات با ظرافت خاصی به کار رفته؛ بدین معنا که بین لفظ و مفهوم القایی تناسب و هماهنگی دیده می‌شود. برای نمونه فاصله‌های (مرصدا، أحقبا، غساقا) که القاء کننده معنای ترس و وحشت هستند، هیچ واژه‌ایی نمی‌تواند به جای این الفاظ بنشیند و مضمون آن‌ها را بیان نماید به تعبیر دیگر اگر ما به جای واژه‌ی «أحقبا» الفاظ (أزمنه، سنین و دهور) قرار دهیم تأثیر مطلوب را نخواهد داشت.

| آیات | ص ح    |       | ح ح ص  |        | جمع |
|------|--------|-------|--------|--------|-----|
|      | تعداد  | صوت   | تعداد  | صوت    |     |
| ۱۷   | ۰      | آ آ آ | ۳      | ۰      | ۳   |
| ۱۸   | ۰      | آ آ   | ۲      | ف      | ۳   |
| ۱۹   | ۰      | آ آ   | ۲      | ب      | ۳   |
| ۲۰   | ۱      | آ آ   | ۲      | ۰      | ۳   |
| ۲۱   | ۰      | آ آ   | ۲      | ر      | ۳   |
| ۲۲   | ۲      | آ     | ۱      | ۰      | ۳   |
| ۲۳   | ۰      | آ آ   | ۲      | ح      | ۳   |
| ۲۴   | ۱      | آ آ   | ۲      | ۰      | ۳   |
| ۲۵   | ۱      | آ آ   | ۲      | ۰      | ۳   |
| ۲۶   | ۱      | آ آ   | ۲      | ۰      | ۳   |
| ۲۷   | ۱      | آ آ   | ۲      | ۰      | ۳   |
| ۲۸   | ۰      | آ آ   | ۲      | ذ      | ۳   |
| ۲۹   | ۱      | آ آ   | ۲      | ۰      | ۳   |
| ۳۰   | ۱      | آ آ   | ۲      | ۰      | ۳   |
| جمع  | ۹      |       | ۲۸     | ۵      | ۴۲  |
| درصد | %۲۱,۴۲ |       | %۶۶,۶۶ | %۱۱,۹۰ |     |

جدول شماره (۴)

مقاطع مفتوح : (صح + صح) = ۳۷ = ۸۸,۰۸٪ یعنی؛ مقطع‌هایی که به مصوت ختم می‌شود. مقاطع

طویل : (صح) = ۲۸ = ۶۶,۶۶٪ یعنی؛ مقطع‌هایی که به مد ختم می‌شود. مقاطع مغلق:

(صحص) = ۵ = ۱۱,۹۰٪ یعنی؛ مقطع‌هایی که به صامت ختم می‌شود.

بخش دوم - مجموعه دوم

X إِنَّ لِّلْمُتَّقِينَ مَفَازًا (۳۱) حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا (۳۲) وَكَوَاعِبًا أَتْرَابًا (۳۳) وَكَأْسًا دِهَاقًا (۳۴) لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِدَابًا (۳۵) جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا (۳۶) رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمُ الرَّحْمَنُ لَأَيْمُلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا (۳۷) يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَّا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أُذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا (۳۸) ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَا بَا (۳۹) B

### تفسیر اجمالی

در آیات پیشین سخن از سرنوشت طغیانگران و قسمتی از کیفرهای دردناک آنها و علت بدبختی‌شان بود، در آیات مورد بحث به شرح نقطه مقابل آن‌ها پرداخته، از مؤمنان راستین، پرهیزگاران و قسمتی از مواهب‌شان در قیامت سخن می‌گوید. در اینجا سخن از «مفاز» (محل نجات)، باغ‌های پر میوه، جام‌های لبریز از شراب طهور و عطایای گسترده خدای رحمان است. در حالی که در آیات قبلی از «مرصاد» (کمی‌نگاه)، غوطه‌ور بودن در آتش، آب سوزان و افزایش عذاب کافران گفته شده است. در آیه X جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا تعبیر به «رب» همراه با ضمیر مخاطب و توأم با کلمه «عطاء» دلالت بر لطف فوق‌العاده خداوند دارد که در پاداش نیکوکاران نهفته است (مکارم، ۱۴۱۶، ج ۲۶، ۵۱).

ضمیر فاعل در «یملکون» به تمامی حاضران در روز رستاخیز برمی‌گردد، ملائکه، روح، انس و جن را در بر می‌گیرد چون سیاق آیه حکایت از عظمت و کبریایی خدای تعالی دارد. علاوه بر این ملائکه و روح قبلاً نامشان به میان نیامده بود تا ضمیر به آنان برگردد، و طاغیان هم هر چند نامشان برده شده، ولی فاصله طولانی اجازه نمی‌دهد ضمیر به آنان برگردد، پس ضمیر به همه بر می‌گردد. (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ۱۷۱)

در آیه X ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ واژه «ذلک» اشاره به روز رستاخیز دارد که در این سوره ذکر شده، و در ضمن آیاتی توصیف‌گرید. این جمله در حقیقت خاتمه کلام و معطوف به ابتدای سوره می‌باشد.

### تحلیل فاصله

مفهوم آیات این مجموعه، در تأکید به عدالت خداوند و لطف و بخشش او نسبت بهشتیان به خاطر اعمال صالحان می‌باشد، و نکته شایان ذکر این است که فاصله آیات به «الف» مدی ختم شده تا با طولانی بودن این نعمت‌های بهشتی هماهنگ باشد (زحیلی، ۱۴۲۲، ج ۳۰، ۲۳).

در این مجموعه لطافت در کلمات، نظم واژگانی و سلاست و روانی در تعابیر دیده می‌شود آهنگ و موسیقی الفاظ پژوهی از مفهوم و مضمون آیات است؛ بدین معنا که تعداد حروف مجهره محدود است چون سیاق آیات دلالت بر آرامش و سکون و وفور نعمت دارد.

عنصر موسیقایی آیات از تکرار فاصله‌ها حاصل می‌شود که گاه برای هماهنگی حروف فاصله با آیات قبل، تغییرات نحوی در خلال آیه ایجاد شده که این توازن و هماهنگی را مناسب می‌نامند. از جمله؛ تقدیم معمول بر عامل، تقدیم ضمیر بر مفسر، حذف «یاء» فعل غیر مجزوم و... (خضر، ۵۳، ۱۴۲۰-۵۲) در آیه X إِنَّ لِّلْمُتَّقِينَ مَفَازًا B اگر چه تقدیم واژه‌ی «متقین» برای اشاره به اهمیت شأن و منزلت پرهیزکاران و اختصاص دادن پیروزی اخروی برای آنان می‌باشد، ولی دلیل اصلی این تقدیم رعایت مقطع صوتی فاصله است.

در جمع آمدن واژه «أعناباً» دو نکته قابل توجه است؛ یکی مناسبت با واژه «حدائق» که جمع است و دیگری توازن مقطع صوتی فاصله، زیرا اگر به صورت مفرد (عنا) ذکر می‌شد بر خلاف آیات قبل متشکل از دو مقطع صوتی کوتاه و یک مقطع صوتی بلند می‌بود.

خداوند متعال در آیه (جزاء من ربك عطاء حساباً) از پاداش مؤمنان سخن می‌گوید، این آیه در مقابل آیه (جزاء وفاقاً) که در مورد عذاب شدید کافران است قرار گرفته. نکته جالب اینجاست که بخشش و پاداش فراوان مؤمنان تنها در معنای آیه بیان نشده، بلکه این نکته را می‌توان در تعداد مقاطع صوتی و اصوات مشاهده نمود.

| آیه | متن آیه                 | تعداد مقاطع صوتی | تعداد اصوات |
|-----|-------------------------|------------------|-------------|
| ۲۶  | جزاء وفاقاً             | ۶                | ۱۰          |
| ۳۶  | جزاء من ربك عطاء حساباً | ۱۳               | ۲۱          |

جدول شماره (۵)

| آیه  | ص ح    | ص ح ص  |     | ص ح ح  |     | جمع |
|------|--------|--------|-----|--------|-----|-----|
|      |        | تعداد  | صدا | تعداد  | صدا |     |
| ۳۱   | ۱      | ۲      | آ آ | ۰      | ۰   | ۳   |
| ۳۲   | ۰      | ۲      | آ آ | ۱      | ع   | ۳   |
| ۳۳   | ۰      | ۲      | آ آ | ۱      | ت   | ۳   |
| ۳۴   | ۱      | ۲      | آ آ | ۰      | ۰   | ۳   |
| ۳۵   | ۰      | ۲      | آ آ | ۱      | ذ   | ۳   |
| ۳۶   | ۱      | ۲      | آ آ | ۰      | ۰   | ۳   |
| ۳۷   | ۱      | ۲      | آ آ | ۰      | ۰   | ۳   |
| ۳۸   | ۱      | ۲      | آ آ | ۰      | ۰   | ۳   |
| ۳۹   | ۱      | ۲      | آ آ | ۰      | ۰   | ۳   |
| جمع  | ۶      | ۱۸     |     | ۳      |     | ۲۷  |
| درصد | %۲۲,۲۲ | %۶۶,۶۶ |     | %۱۱,۱۱ |     |     |

جدول شماره (۶)

#### خاتمه

X إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا (۴۰) B

#### تفسیر اجمالی

ابتدا و انتهای این آیه در شأن کافران است، ولی سیاق جمله X يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ شامل حال مؤمنان و کافران می‌شود؛ یعنی روزی خواهد آمد که شخص مؤمن ثواب آن اعمال و رفتارهای نیکي را که به منظور اجر اخروی انجام داده خواهد دید، و از آن مسرور خواهد شد. کما این که کافر نیز در آن روز به کیفر اعمال کفر خود نظر می‌افکند و از دیدن آنها خجل و بیزار می‌شود (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ۲۸۵). با توجه به آیات قرآن و روایات اسلامی، اعمال انسان در روز قیامت به صورت‌های مناسبی مجسم شده، و در برابر او ظاهر می‌شوند، او از مشاهده منظره اعمال بدش در وحشت و ندامت و حسرت فرو می‌رود، و از دیدن اعمال حسنه‌اش شاد و مسرور می‌گردد، و اصولاً یکی از بهترین پاداش‌های نیکوکاران، و یکی از بدترین کیفرهای بدکاران همین اعمال مجسم آنها است که همراهشان خواهد بود (مکارم، ۱۴۱۶، ج ۲۶، ۶۲). واژه «الکافر» در این آیه اسم ظاهر است که به جای ضمیر نهاده شده تا به نکوهش بیشتری دلالت کند و هر کافری که در حال کفر از دنیا برود و به کیفر اعمال ننگ‌آور خویشتن نظر کند بقدری خجل و منفعل می‌گردد که آرزو می‌کند X يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا B ای کاش در دنیا خاک بودم و آفریده و مکلف نمی‌شدم ای کاش در روز قیامت خاک می‌بودم و زنده نمی‌شدم (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۴، ۴۳۳).

## تحلیل فاصله

در این سوره ابتدا از سرنوشت کافران و قسمتی از کیفی‌های دردناکشان سخن می‌گوید و سپس به شرح حال نقطه مقابل آنان، مؤمنان راستین و پرهیزکاران می‌پردازد نکته قابل ذکر اینجا است که سوره با وصف آرزوی محال کافران به پایان می‌رسد و ما می‌توانیم ردپایی از صنعت «رد العجز علی الصدر» را مشاهده کنیم.

این آیه جزء طولانی‌ترین آیات این سوره است و به روی «باء» ختم شده که ویژگی صدای روی و تعداد زیاد مقاطع صوتی در بافت آیه بر شدت و طولانی بودن حسرت و ندامت کافران اشاره دارد.

| جمع | ص ح ح |        | ص ح    | آیه  |
|-----|-------|--------|--------|------|
|     | صدا   | تعداد  |        |      |
| ۳   | آ آ   | ۲      | ۱      | ۴۰   |
|     |       | ٪۶۶٫۶۶ | ٪۳۳٫۳۳ | درصد |

جدول شماره (۷)

با امعان نظر می‌یابیم فواصل آیات این سوره علاوه بر حرف روی، از نظر صرفی و موسیقایی هم متنوع اند؛ اوزان صرفی همچون:

- ۱ - «أفعالاً» در واژه‌هایی مانند: «أوتاداً، أزواجاً، ألفافاً، أفواجاً، أبواباً، أحقاباً، أعناباً و أتراباً»
- ۲ - «فَعَالاً» در الفاظی همچون: «نباتاً، سراباً، عذاباً و ثواباً»
- ۳ - «فَعَالاً» در الفاظی مانند: «وهَّاجاً، ثَجَّاجاً و غَسَاقاً»
- ۴ - «فُعَالاً» «سباتاً، تراباً» دیده می‌شود.

فواصلی همچون «كذَّاباً، مآباً، حساباً و سيعلمون» چندین بار در بافت سوره تکرار شده، که این تنوع و تکرار فواصل به این سوره رنگ صوتی و موسیقایی بخشیده است. همچنین میان برخی از فواصل جناس وجود دارد که بیشتر از نوع جناس ناقص است. مانند: (عذاباً-كذاباً) (ثججاً-وهجاً).

## نتیجه گیری

- یکی از عناصر اعجاز ادبی و بیانی قرآن فاصله است که نه تنها امری ظاهری، بلکه هماهنگ با سیاق و دلالت معنایی سخن است که متناسب با معنا دگرگون می‌شود.
- انتخاب کلمات و واژه‌های به کار رفته در عبارات قرآنی کاملاً حساب شده است به گونه‌ای که جایگزینی واژه‌های دیگر برای افاده معنای اصلی غیر ممکن است، زیرا گزینش واژه‌های قرآنی به گونه‌ای انجام شده که تناسب آوای حروف کلمات هم ردیف آن رعایت گردیده.
- در بسیاری از آیات قرآن، حرکات، بار مفهومی خاصی را به دوش می‌کشند و حالت‌هایی چون شادمانی، غرور، تقدیم، فتح و پیروزی، شکست، علو و برتری و ذلت و خفت را می‌رسانند.
- در این سوره آیاتی که در وصف پرهیزکاران و نعمت‌های بهشتی است، حرکت فته کاربرد بیشتری یافته که نشانگر برتری و بلند مرتبگی بهشتیان می‌باشد.
- روی فاصله آیات در این سوره متنوع‌اند که وجود «الف» وقف در پایان آن نظم خاصی را به آن بخشیده است.
- با تغییر سیر خطاب، مقطع صوتی فاصله آیات، از مغلق به مفتوح گرایش یافته. همچنین تغییرات نحوی نظیر حذف و تقدیم و تاخیر برای رعایت فاصله در این سوره دیده می‌شود.

- از آنجایی که مضمون این سوره بر اثبات قیامت، عذاب کافران و پاداش نیکوکاران دلالت دارد حروف مجهوره نسبت به مهموسه بسامد بیشتری به خود اختصاص داده تا با مضمون آن هماهنگ باشد.

## منابع و مآخذ

### قرآن کریم

- ابن جنی، ابوالفتح عثمان، (۱۹۹۰) *سر الفصاحة*، تحقیق محمد علی نجار، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ط ۴  
أبی سعود، (بی تا) *إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم*، دارالفکر  
الرماني، ابو الحسن علی بن عیسی، (۱۹۶۸) *النکت فی اعجاز القرآن*، دار المعارف، ط ۳  
أنیس، ابراهیم، (۱۹۶۱) *الأصوات اللغوية*، دار النهضة العربية، ط ۳  
بشر، کمال محمد، (بی تا) *الاصوات العربية*، القاهرة، مكتبة الشباب  
بکری، شیخ أمین، (۱۹۷۲) *التعبير الفني في القرآن*، دارالشروق، حلب،  
التفتازانی، سعدالدين، (۱۳۸۸) *مختصر المعاني*، قم، مؤسسه دار الفکر  
جرجانی، عبدالقاهر، (۱۹۹۲) *دلائل الإعجاز*، تحقیق محمد شاکر، ط ۲  
خضر، السيد، (۱۴۲۰) *الفواصل القرآنية*، مكتبة الآداب، القاهرة  
رمضان، محیی الدين، (۱۹۸۲) *وجوه من الإعجاز الموسيقي في القرآن*، ط ۱، عمان، دارالفرقان  
الزحيلي، وهبه، (۱۴۲۲) *تفسير الوسيط*، دارالفکر المعاصر، بیروت  
الزرکشی، محمد بن عبدالله، (۲۰۰۶) *البرهان في العلوم القرآن*، تحقیق ابی الفضل الدمیاطی، القاهرة، دار الحديث  
زمخشري، محمود، (۱۴۰۷) *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل*، دار الكتاب العربي، بیروت  
سید قطب، (۱۹۸۰) *التصوير الفني في القرآن*، دارالمعارف، القاهرة،  
\_\_\_\_\_ (۱۴۱۲) *في ظلال القرآن*، دار الإحياء التراث العربي، بیروت  
سیوطی، أبی بکر عبدالرحمن، (۱۹۷۸) *الإتقان في العلوم القرآن*، ط ۴  
طباطبائی، محمد الحسین، (۱۴۱۷) *الميزان في التفسير القرآن*، انتشارات حوزه علمیه، قم  
طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۷) *تفسير جوامع الجوامع*، انتشارات دانشگاه تهران  
الفخر الرازی، (بی تا) *التفسير الكبير*، نشر دار الکتب العلمیه، طهران، ط ۲  
مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۱۶) *تفسير نمونه*، دار الکتب الاسلامیه، تهران  
النوری، محمد جواد، (۱۹۹۷) *علم الأصوات العربية*، جامعه القدس المفتوحة